

اقدامات حقوقی کانادا علیه امنیت اقتصاد ملی جمهوری اسلامی ایران: نقدی بر قانون مصونیت دولتی کانادا

رضا موسی زاده^۱

محمود گنج بخش^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۲۱

چکیده

با افزایش شمار قربانیان حملات تارشگری توجه جهانی به مبارزه با تارشگری معطوف و با شیوه‌های مختلفی با آن برخورد گردید. در جهت مقابله با این چالش امنیتی، کانادا بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حامی تارشگری تأکید می‌نماید؛ اما اقدامات مربوطه به استناد قانون مصونیت دولتی این کشور صرفاً علیه ایران اعمال شده است. پرسش اصلی این است که اقدامات حقوقی و قانون‌گذاری کانادا در چه زمینه‌هایی امنیت و منافع ملی خصوصاً منافع اقتصادی ج.ا.ایران را تهدید می‌نماید؟ فرضیه این پژوهش مبتنی بر تأثیر منفی نقض مصونیت اموال دولت ایران بر حقوق و امنیت اقتصادی مردم ایران و در نتیجه امنیت و منافع ملی کشورمان است این امر مسئولیت بین‌المللی کانادا را مطرح می‌نماید. امنیت اقتصادی عبارت است از دسترسی به منابع، سرمایه و پول و بازارهای ضروری که برای حفظ سطوح و درجات پذیرفتنی از رفاه و قدرت دولت لازم است. از آنجاکه اقتصاد و تجارت ایران عمدتاً دولتی است، توقیف این‌گونه دارایی‌ها در اجرای احکام داخلی و یا اجرای احکام شناسایی‌شده خارجی که بیم گسترش آن نیز می‌رود و همچنین قطع هرگونه روابط مالی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم، امنیت اقتصادی و تجاری کشورمان را به‌طور جدی متأثر می‌نماید.

واژگان کلیدی: قانون مصونیت دولتی کانادا؛ دولت‌های حامی تارشگری؛ امنیت اقتصادی؛ مصونیت قضایی اموال دولت‌ها؛ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؛ جمهوری اسلامی ایران.

۱. استاد حقوق بین‌الملل دانشکده روابط بین‌الملل وزارت خارجه (R.mousazade8@gmail.com)

۲. دانش‌آموخته دکتری حقوق بین‌الملل - مدرس دانشگاه خوارزمی، نویسنده مسئول (Mganjbakhsh@gmail.com)

مقدمه

مصونیت دولتها از مباحث قدیمی و کلاسیک حقوق بین‌الملل محسوب می‌گردد. تحولات جامعه بین‌الملل و تأثیر آن بر حقوق بین‌الملل سبب گردیده است که «نظام حقوق بین‌الملل دولت‌محور» به‌سوی «حقوق بین‌الملل انسان‌محور» تغییر جهت دهد. مصونیت که یکی از پایه‌های اساسی نظام بین‌الدولی است، در موارد فراوانی مانع از احقاق حقوق افراد در حقوق بین‌الملل می‌گردد. پیچیدگی اخذ یک راهبرد کارآمد در مبارزه با تارشگری و نگرانی روزافزون جامعه بین‌المللی نسبت به این پدیده و تبعات آن موجب تمرکز برخی از کشورها به حمایت از حقوق قربانیان تارشگری بین‌الملل گردید. انتساب بعضی وقایع تارشگری به دولتهای خاص و لزوم رعایت حقوق بازماندگان تارشگری بین‌الملل موجب تعارض میان قاعده سنتی مصونیت و قواعد اساسی حقوق بشری قربانیان گردید.

بیان مسئله

بر اساس حقوق بین‌الملل عرفی مصونیت دولت مانعی است که اجازه نمی‌دهد محاکم داخلی یک کشور، دولت خارجی دیگر را تحت پیگرد قضایی قرار دهند. رهنامه مصونیت دولت برای حل تعارض بین دو اصل «برابری دولتها» و «صلاحیت سرزمینی» مطرح شده است. درواقع این نظریه به تبعیت از نظریه‌هایی که پس از شکل‌گیری دولتهای نوین به دنبال انعقاد معاهدات و ستفالی از سوی نظریه‌پردازان ارائه شده بود، در اندیشه‌های حقوقی حقوقدانان و عرف بین‌المللی و رویه قضایی مطرح گردید. در دوره کلاسیک و همچنین در دوران معاصر در حوزه اندیشه‌های کمونیستی و سوسیالیستی اندیشمندان حقوق بین‌الملل مصونیت دولتها را به‌مثابه یک حق بنیادین می‌دانستند که از اصل برابری حاکمیت دولتها ناشی گردیده است (Caplan, 2003: 748). گروه دیگری از متفکران تحت تأثیر قضیه «اسکونر اکسچنج علیه مک فادن»^۱ در حقوق ایالات‌متحده مصونیت دولتها را بر اساس قاعده نزاکت تفسیر می‌کنند. به نظر این گروه مصونیت یک استثناء بر اصل صلاحیت سرزمینی دولت است که بر این اساس کشور مقرر دادگاه حق اعمال صلاحیت قضایی خود را بر مبنای رعایت نزاکت بین‌المللی برای تسهیل روابط با سایر کشورها به حالت تعلیق درمی‌آورد و با این اقدام به کشور خارجی مصونیت اعطا می‌کند. رویه محاکم داخلی ایالات‌متحده در خصوص مصونیت دولتهای خارجی بر مبنای نظریه اخیر بود (Sinclair, 1980: 167-215). این رویه، آرای محاکم انگلستان و به‌تبع آن کانادا را تحت تأثیر خود قرار داد.

1. The Schooner Exchange v. Mc Fadden

پس از گسترش مبادلات تجاری و ظهور کشورهای سوسیالیستی، دولت‌ها در کنار اعمال حاکمیتی مشابه اشخاص خصوصی وارد مناسبات تجاری شدند. در نتیجه دولت‌ها نتوانستند به استفاده از مزایای «مصونیت مطلق» ادامه دهند و به مرور زمان کشورهای مختلف یکی پس از دیگری با تصویب و یا بدون تصویب قانون خاص نظریه «مصونیت محدود» را وارد نظام حقوقی خود نمودند. در سال ۱۹۸۵ کانادا با تصویب «قانون مصونیت دولتی» بر عرف بین‌المللی صحه گذارد.

پس از ناکامی دستگاه دادگستری کانادا در قضیه بمب‌گذاری خطوط هوایی هند که به یک گروه تندروی سیک نسبت داده می‌شد^۱ اولویت جدیدی در امور حقوق بشری کانادا مطرح گردید. به این ترتیب رسیدگی قضایی به دعاوی شهروندان کانادایی که قربانی شکنجه منتسب به دولت‌های خارجی شده بودند، آغاز گردید و پس از آن گزارش‌های این دادرسی‌ها در صدر اخبار مربوط به حقوق بشر قرار گرفت؛ اما در نهایت این پرونده‌ها به دلیل اولویت مصونیت قضایی دولت‌های متهم در تعارض با رعایت حقوق قربانیان نقض حقوق بشر بی‌نتیجه محتمل شد. از این به بعد فعالان حقوق بشر در کانادا بیشتر درصدد اصلاح قانون مصونیت بودند. با این دو زمینه فکری بازنگری در «قانون مصونیت دولتی»^۲ و «قانون عدالت برای قربانیان تارشگری»^۳ به مجلس پیشنهاد شد. در سال ۲۰۱۲ و تحت تأثیر رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی که نقض مصونیت قضایی آلمان در محاکم ایتالیا را تأیید نمود مذاکرات مجلس راجع به سلب مصونیت از دولت‌های متهم به شکنجه منتفی گردید؛ اما سلب مصونیت قضایی از دولت‌های متهم به حمایت از تارشگری به تأیید مقام قانون‌گذار رسید. با این اصلاحات مهم قانون مصونیت عطف به گذشته گردید؛ بنابراین حوادث تارشگری که از سال ۱۹۸۵ به بعد روی داده مشمول قانون مصونیت است. در مقام اجرا و در رویه قضایی به حادثه تارشگری آن سال و قربانیان کانادایی آن توجهی نشد؛ ولی دعاوی قربانیان رژیم صهیونیستی علیه ایران در مواردی که حتی قبل از سال ۱۹۸۵ اتفاق افتاده بود رسیدگی گردید. در این مورد مهم‌ترین پرسش و مسئله‌ای که به وجود آمد بررسی اقدامات کانادا از منظر حقوق بین‌الملل و تأثیر آن بر امنیت

۱. پرتلفات‌ترین حادثه تارشگری هوایی قرن بیستم که در سال ۱۹۸۵ جان ۳۲۹ نفر سرنشین بی‌گناه یک هواپیما را گرفت، عواطف مردم کانادا را به شدت متأثر نمود. این واقعه که در پرواز مونترال به دهلی‌نو اتفاق افتاد؛ بزرگ‌ترین حمله تارشگری تاریخ کانادا نام‌گذاری شد. دولت کانادا در طول رسیدگی به این واقعه تارشگری فقط اتباع هندی‌تبار کانادا و یک گروه تندرو سیک را به‌عنوان متهم پرونده تحت پیگرد قضایی قرار داد. رسیدگی قضایی به این حادثه؛ بیشترین هزینه دادرسی را به دادگستری کانادا تحمیل نمود. با این حال گران‌ترین پرونده تاریخ کانادا؛ پس از بیست سال رسیدگی پلیسی و قضایی بی‌نتیجه پایان یافت.

2. SIA: State Immunity Act

3. JVTA: Justice for Victims of Terrorism Act

ملی دولت هدف است. آیا این مقررات و احکامی که بر اساس آن صادر شد در جهت تأمین حقوق قربانیان تارشگری بین‌الملل لازم بوده است یا به‌جای آن در همگرایی با دولت‌های مشخص همه اقدامات به نفع مدعیان حوادث تارشگری مرتبط با رژیم صهیونیستی و برخلاف قواعد حقوق بین‌الملل فقط علیه امنیت ملی دولت ایران بوده و مورد اقبال سایر کشورها نیز واقع نگردیده است.

ضرورت و اهمیت پژوهش

قانون مصونیت دولتی کانادا به دادگستری این کشور صلاحیت جهانی داده تا به دعاوی علیه دولت‌هایی که مظنون به حمایت از تارشگری هستند رسیدگی کند. این مقررات به لحاظ محدود نمودن حاکمیت دولت‌های خارجی از نمونه آمریکایی خود پیشی گرفته است. بر اساس این قانون دادگاه‌ها در دعاوی علیه دولت‌های حامی تارشگری صلاحیت دارند تا به کلیه مواردی که در قانون جزای کانادا جرم‌انگاری شده و به اتباع این کشور خساراتی وارد کرده است رسیدگی نمایند، حتی صلاحیت محاکم درباره دعاوی غیر اتباع این کشور که «پیوند واقعی و توجه‌برانگیزی با کانادا»^۱ داشته باشد نیز گسترش یافته است (Parloment of Canada, 2012: 2). درحالی‌که در نمونه آمریکایی فقط دعاوی اتباع آن کشور یا اشخاصی که در استخدام ایالات متحده هستند و فقط راجع به برخی جرائم قابل استماع بود (Lip, 2004: 21). این اصلاحات برای تحول در قاعده مصونیت به‌سوی انسانی‌تر شدن آن در زمینه مسئولیت مدنی و مصونیت قضایی اموال دولت‌های خارجی و با هدف حمایت از حقوق فردی قربانیان تارشگری بین‌الملل در برابر اقتدار دولت وضع گردیده است اما در این باره، افزون بر مصوبات قانونی، رویه اجرایی و قضایی کانادا نیز که امنیت ملی کشورهای هدف را نقض نموده است محل بحث و چالش اساسی است. گرچه اقدامات کانادا نمونه‌برداری از اقدامات آمریکا در سلب مصونیت دولت‌های حامی تارشگری بین‌الملل است و ایرادات حقوقی وارده به آمریکا در مورد کانادا نیز صادق است؛ ولی از آنجا که گستره سلب مصونیت اموال دولت‌های حامی تارشگری و چگونگی قانون کانادا با مشابه آمریکایی تفاوت زیادی دارد، این تحقیقات علمی به‌طور مستقل انجام گردید. از طرف دیگر تلقی کانادا ممکن است مقدمه ظهور اندیشه‌های جدیدی باشد که بر حقوق بین‌الملل ضدتارشگری مؤثر واقع گردد؛ بنابراین انجام پژوهش مستقل از این جهت نیز ضروری به نظر رسید. همچنین در جهت بیان ضرورت این پژوهش می‌توان گفت که تحلیل

1. real and substantial connection to Canada

اقدامات کانادا علیه اموال دولت‌های مظنون به حمایت از تارشگری مستلزم شناسایی ظرفیت‌های «قانون مصونیت دولتی» و «قانون عدالت برای قربانیان تارشگری» و اصلاحیه‌های آن و نیز رویه قضایی شکل گرفته در رابطه با این قوانین و همچنین واکاوی آرای صادره است تا درست و نادرستی آن در پرتو قواعد حقوق بین‌الملل مورد ارزیابی قرار گرفته و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشورهای هدف بررسی گردد.

مسئله اصلی این تحقیق بررسی ابعاد حقوقی اقدامات کانادا در سلب مصونیت قضایی اموال دولت ایران - متهم به حمایت از تارشگری - و همچنین تأثیر این اعمال بر امنیت اقتصادی و تجاری کشورمان است. این اصلاحیه که با استناد به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد و تحولات حقوقی معاصر وضع گردیده؛ در ارتباط با مفهوم و چگونگی حمایت از قربانیان تارشگری و بازماندگان آن‌ها و تحدید مفهوم مصونیت اموال دولتی وضع شده است. البته با عنایت به نظام حقوقی کانادا بدیهی است که هرگونه اظهارنظر درباره قانون مصونیت دولتی کانادا و میزان تأثیر آن بر مصونیت قضایی اموال دولتی بایستی با بررسی علمی رویه قضایی آن کشور همراه باشد. از جهت دیگر ضرورت پژوهش از آنجا مشخص می‌شود که این رویه فقط علیه کشور ایران شکل گرفته و حقوق و منافع اقتصادی و امنیت ملی کشورمان را متأثر نموده است. افزون بر این، از آنجاکه موضوع حمایت از قربانیان تارشگری بین‌الملل یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل بوده و به صورت چالش سیاسی بزرگ کشورهای اسلامی در ارتباط با دولت‌های غرب واقع شده است یافته‌های این پژوهش در موارد مشابه نیز مورد نیاز بوده و استفاده‌شدنی است.

هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش بررسی و تحلیل حقوقی اقدامات ناشی از تلقی کانادا از مصونیت قضایی اموال دولتی بر امنیت اقتصادی کشورهای هدف است. به همین منظور رویه قضایی و اجرایی کانادا مورد توجه بوده است. در راستای این هدف، رسیدن به دیدگاه منصفانه و علمی راجع به مصونیت دولت و شناخت و تشریح تفسیر ناصواب دولت کانادا از این مفهوم و تأثیرات منفی این تلقی بر حقوق «کشورهای مظنون به حمایت از تارشگری» ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله ضمن ریشه‌یابی مبانی مصونیت اموال دولتی و حقوق قربانیان تارشگری در جبران خسارات وارده؛ به بررسی موارد تزامن و تعارض این دو می‌پردازد. ضمناً تحولات قاعده مصونیت دولت در ارتباط با حقوق قربانیان حوادث تارشگری در نظام تقنینی و محاکم داخلی کانادا تبیین می‌گردد.

سؤال و فرضیه

چگونه اقدامات حقوقی و قانون‌گذاری کانادا در توقیف دارایی‌های ایران که با توجه به قانون مصونیت دولتی این کشور و در حمایت از قربانیان تارشگری بین‌الملل انجام شده است، می‌تواند اقدام علیه امنیت ملی ایران تلقی گردد؟ همچنین جایگاه و مشروعیت این اقدامات از منظر حقوق بین‌الملل چیست؟ بر اساس فرضیه این پژوهش، رویه اجرایی و قضایی کانادا در ارتباط با قانون مصونیت دولتی و قانون عدالت برای قربانیان تارشگری و اصلاحیه‌های آن‌ها اقدامی خلاف حقوق بین‌الملل است که نتیجه آن محدود نمودن فعالیت‌های مالی و بانکی و امنیت اقتصادی مردم ایران است. از آنجا که امنیت اقتصادی بعد مهمی در امنیت انسانی و امنیت ملی است ناامنی اقتصادی مردم به‌منزله نقض امنیت ملی ایران تلقی می‌گردد.

پیشینه

از آنجا که مقررات کانادا راجع به مصونیت نسبت به قانون آمریکایی موسع‌تر است انجام تحقیقات جدید ضروری به نظر می‌رسد اما تاکنون تحقیق مستقلی راجع به سلب مصونیت اموال دولتی هم‌زمان با رویه محاکم کانادا صورت نگرفته است.

عبدالهی (۱۳۹۴:۵۹) ضمن تشریح پیشینه سلب مصونیت دولت در آمریکا به تحلیل حقوقی قانون کانادا پرداخته و بدون توجه به جنبه امنیتی آن درنهایت چنین نتیجه گرفته است که اقدام کانادا خلاف موازین حقوق بین‌الملل است و موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت گردیده است. مقاله ذکرشده به آراء محاکم کانادا علیه ایران نمی‌پردازد.

حبیبی مجنده و همکاران (۱۳۹۳:۶۷) با اشاره به موازین حقوقی مندرج در رأی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به قضیه فرنی در سال ۲۰۱۲؛ اقدامات دولت ایالات‌متحده را نقد می‌نمایند، این موضوع با اقدامات دولت کانادا مشابهت مفهومی دارد.

پانگراسیک^۱ (2014:26) با تکیه بر تجارب خویش در وکالت دعاوی مطروحه علیه ایران به مرور کلی سیر قانون‌گذاری و دادرسی در کانادا می‌پردازد. وی از سیاسی‌کاری شدید محاکم و دوری از اصول عدالت شاکی است.

روش پژوهش

تحقیقات حقوقی ممکن است به روش‌های مختلف کاربردی، بنیادی، توصیفی و تحلیلی انجام گیرد. در این مقاله تلاش شده است؛ با بررسی منابع موجود و تحلیل آن‌ها از روش توصیفی تحلیلی و تبیین برخی مفاهیم به تجزیه و تحلیل قاعده مصونیت اموال دولتی در تعارض و تزام

1. Monique Poingrac-Speyer

با حقوق بین‌الملل و امنیت ملی ایران پرداخته شود. البته برای کشف روابط پدیده‌ها، فرایندها، موضوعات، بررسی عوامل بروز و چگونگی آن‌ها ضمن تجزیه و تحلیل منابع با گردآوری اسناد و بررسی آن‌ها به علت‌یابی و نقد منابع هم عنایت شده است. قلمرو تحقیق (زمانی، مکانی، موضوعی) شامل تحولات حقوقی مفهوم مصونیت قضایی اموال دولتی و حمایت از قربانیان تارشرگی بین‌الملل با توجه به رهنامه پذیرفته شده قانون‌گذار کانادا از ابتدای سال ۱۹۸۵ تا ژوئن سال ۲۰۱۶ است.

چارچوب نظری و مفاهیم

تاریخ حقوق شاهد آن است که هر حقی در جامعه بشری قرین شبه در حق و سوءاستفاده از آن حق بوده است. تبیین مبانی و مفاهیم و قلمرو حق مانع از بروز اختلافات بعدی می‌شود. به این جهت شایسته است که مفاهیم و نظریه‌های مرتبط در خصوص مصونیت دولت و حمایت از قربانیان تارشرگی بین‌الملل به صورت مختصر تشریح گردد. به همین منظور پیش از بررسی قانون مصونیت دولتی کانادا و تحلیل تأثیر آن بر امنیت اقتصادی و تجاری کشورمان ابتدا مفاهیم و نظریه‌ها پیرامون مصونیت قضایی اموال دولتی و حمایت از قربانیان تارشرگی بررسی می‌گردد.

مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها: با عنایت به کنوانسیون ملل متحد راجع به مصونیت قضائی دولت‌ها و اموال آن‌ها^۱ (UN, 2004: 2)، هیچ دولتی نمی‌تواند در محاکم داخلی خود نسبت به دولت دیگر و اموال آن اعمال صلاحیت قضایی نماید؛ زیرا که همه دولت‌ها و ارکان آن‌ها حق دارند از جانب دستگاه قضایی سایر دولت‌ها به سبب اعمالی که انجام می‌دهند مسئول شناخته نشوند. (Brohmer, 1997: 3)

جدول ۱ - موارد سلب مصونیت دولت در حقوق بین‌الملل (در دعاوی مدنی)

نظام حقوقی بیشتر کشورها بر اساس کنوانسیون سازمان ملل متحد درباره مصونیت قضایی دولت‌ها	رویه قضایی بر اساس رأی دیوان بین‌المللی دادگستری	بر اساس نظام حقوقی آمریکا و کانادا
سلب مصونیت دولت در مواردی مانند اعمال تجاری قبول گردیده است؛ ولی در موارد حقوق بشری مانند دعاوی مربوط به حملات تارشرگی پذیرفته نشده است.	مشابه رویه بیشتر کشورها، سلب مصونیت دولت در موارد حقوق بشری مانند تارشرگی پذیرفته نشده است.	برخلاف رویه بین‌المللی، سلب مصونیت دولت در اعمال تجاری و موارد حقوق بشری برای حمایت از قربانیان تارشرگی بین‌الملل پذیرفته شده است.

1. United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property.

مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها: با توجه به ماده ۱ طرح مسئولیت دولت‌ها مصوب سال ۲۰۰۱ اجلاس حقوق بین‌الملل^۱: «هر عمل (رفتار متضمن فعل یا ترک فعل) متخلفانه بین‌المللی یک کشور، مسئولیت بین‌المللی آن کشور را به دنبال دارد. تخلف یک کشور از ضوابط بین‌المللی، موجب مسئولیت بین‌المللی آن دولت می‌گردد. (UN, 2001: 1)

قربانیان تارشگری بین‌الملل: به موجب ماده ۸ اعلامیه اصول اساسی و راهنمای راجع به قربانیان نقض‌های فاحش حقوق بین‌الملل بشر و نقض‌های عمده حقوق بین‌الملل بشردوستانه^۲ که مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶ است: «قربانی کسی است که به‌طور انفرادی یا جمعی متحمل آسیب و ضرر فیزیکی، رنج عاطفی، خسارت مالی، یا لطمه به حقوق اساسی خود و در نتیجه اقدامات یا غفلت‌هایی در حقوق بین‌الملل بشر و نقض جدی حقوق بین‌الملل بشردوستانه گردیده است. (UN G, 2005: 5)

حقوق قربانیان تارشگری بین‌الملل و جبران خسارات مربوطه: بر اساس مواد ۱۲ و ۱۳ اعلامیه فوق، اصول سه حق فراگیر برای قربانیان عبارت است از: حق دسترسی برابر و مؤثر به عدالت، حق جبران خسارت کافی، مؤثر و فوری و حق بر دانستن حقیقت (UN G, 2005: 5)؛ بنابراین دولت‌ها و سایر بازیگران نسبت به پیگیری و زمینه‌سازی برای تحقق حقوق قربانیان با اعمال مدیریت و سیاست‌گذاری ویژه حاکمیتی متعهد است. چنانچه در نتیجه اقدامات تارشگری آسیب و خسارتی بی‌جهت به شخصی وارد آید، بایستی جبران شود. این تعهد تا حصول نتیجه است؛ یعنی تعهد به همراه تضمین است.

امنیت اقتصادی: امنیت افزون بر حمایت جامعه انسانی در مقابل تهدیدهای نظامی شامل تهدیدهای رفاه اقتصادی، ثبات سیاسی، عدالت اجتماعی، بهداشت شهروندان و محیط‌زیست نیز هست که از آن به «امنیت انسانی» تعبیر می‌شود. (عسکری، ۱۳۸۲: ۳۹۲) امنیت اقتصادی از این جهت زیرمجموعه مفهوم امنیت انسانی است. نظام اقتصادی هر کشور در سایه امنیت اقتصادی تحقق می‌یابد. مهم‌ترین گام برای کشورهای در حال توسعه دستیابی به امنیت اقتصادی است تا در پرتو آن به یک نظام اقتصادی مطلوب برای ارتقاء تولید و کارایی منابع دست یافته و به رفاه اقتصادی که هدف نهایی هر نظام اقتصادی توسعه‌یافته است، برسند.

1. Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries.

2. Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law

امنیت اقتصادی یکی از پنج بعدی بود که باری بوزان در سال ۱۹۸۳ شناسایی کرد. بنا بر تعریف وی «امنیت اقتصادی عبارت است از دسترسی به منابع، سرمایه و پول و بازارهای ضروری که برای حفظ سطوح و درجات پذیرفتنی از رفاه و قدرت دولت لازم است.» (یزدان فام، ۱۳۹۰: ۸۸) این تعبیر از امنیت در تحقق شش مؤلفه دیگر تشکیل دهنده توسعه انسانی نقش مهمی را ایفا می‌کند. در امنیت غذایی، بهداشتی، شخصی و سیاسی نقش بارزی دارد و در امنیت اجتماعی و محیط‌زیستی نیز مؤثر است. توسعه اقتصادی که می‌توان آن را رشد همه‌جانبه و موزون اقتصادی دانست در تحقق امنیت اقتصادی مؤثر و آن نیز در تأمین غذایی مغذی، مفید و به اندازه سهم دارد. درحالی‌که نتیجه مستقیم قانون مصونیت اموال دولتی نقض حقوق مالی و امنیت اقتصادی مردم ایران است. این اقدامات موجب فشار زیاد بر طبقه متوسط شده که می‌تواند مطالبه‌گر اصلی حقوق نسل اول و آزادی‌های اساسی باشد. بحث امنیت انسانی اولین بار در گزارش توسعه سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ منتشر گردید. در این گزارش از مفهوم توسعه انسانی به‌عنوان برقراری و تدارک امنیت برای انسان برای جلوگیری از گرسنگی، بیماری، سرکوب و تهدیدات دائمی در زندگی روزمره و احقاق حقوق انسان‌ها، آزادی‌های عقلانی و نیازهای اساسی‌شان یاد شده است. همچنین در سال ۲۰۰۳، اجلاس امنیت انسانی سازمان ملل بر این مسئله تأکید کرد که امنیت انسانی در گرو تأمین امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشت، امنیت محیط‌زیست، امنیت فردی، امنیت گروهی و امنیت سیاسی است. شاخص‌های امنیت اقتصادی را به دو گروه تقسیم شده است. شاخص‌های مقدماتی که با ایجاد آن‌ها راه برای تحقق امنیت اقتصادی میسر می‌شود شامل روابط بازرگانی، روابط پولی و مالی بر اساس ضوابط (استانداردهای) جهانی، تجمیع سرمایه داخلی، سرمایه‌گذاری خارجی و خریدوفروش است. «امنیت اقتصادی عبارت است از دارا بودن یک حداقل درآمدی تضمین‌شده. مهم‌ترین و پیشگیری‌پذیرترین دلایل مرگ در جوامع مختلف به ناامنی‌های اقتصادی و زیست‌محیطی مربوط می‌شود (آسبیورن، ۱۳۸۹: ۴۲)». بند ۱۲ اصل سوم^۱ و بند ۱ اصل چهل‌وسوم^۲ قانون اساسی ج.ا.ایران تحقق امنیت اقتصادی (رفع فقر و تأمین حقوقی چون کار، خوراک، مسکن و پوشاک) را از وظایف دولت برشمرده است که مصادره اموال دولت و مردم ایران در نتیجه نقض مصونیت قضایی دولت یکی از موانع آن است.

۱. پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن

و کار و بهداشت و تعمیم بیمه

۲. تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

چارچوب نظری

همگرایی: در رهیافت سیاسی به همگرایی، بر ابعاد نهادی و سیاست‌گذارانه تأکید می‌شود. معروف‌ترین نظریه‌های سیاسی همگرایی «کارکردگرایی» و «نوکارکردگرایی» هستند. کارکردگرایی با نام دیوید میترا نی همراه است. به نظر او، سرمنشأ تعارضات میان دولت‌ها وجود شکاف‌های سیاسی است و نمی‌توان بر این شکاف‌ها با توافق حقوقی نائل آمد. فرض او بر این است که اقتصاد و سیاست را می‌توان از هم جدا کرد. آنچه به اقتصاد و حیات اجتماعی مربوط می‌شود در عرصه سیاست پایین یا ملایم قرار می‌گیرد و امکان همکاری در آن هست. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۰) اما برخی از مفروضه‌های کارکردگرایی بنیان نظریه‌ای جدید شد که از آن با عنوان کارکردگرایی جدید یاد می‌شود و بیشتر در پیوند با نام ارنست هاس است. هدف نوکارکردگرایی تبیین این مسئله بود که چرا و چگونه دولت‌ها حاکمیت خود را رها می‌کنند و حاکمیت‌ها در هم ممزوج می‌شوند و فنون جدیدی برای حل و فصل تعارضات میان کشورها تدبیر می‌گردد. هاس برخلاف میترا نی اقتصاد و سیاست را کاملاً جدا از هم در نظر نمی‌گیرد و به اهمیت سیاسی مسائل اقتصادی اذعان دارد. از یک‌سو، همگرایی مستلزم وجود نهادهای فراملی و فوق ملی در سطح منطقه‌ای است. از سوی دیگر، گروه‌های ذی‌نفع و احزاب سیاسی در داخل کشورها منافع را در همگرایی دنبال می‌کنند. در این برداشت از همگرایی تأکید بر منافع است. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲)

قبل از ورود به بحث امنیت ملی ج.ا.ایران توسط کانادا از آنجایی که چارچوب نظری این مقاله مربوط به حوزه حقوق بین‌الملل است ابتدا قانون مصونیت دولتی کانادا در حقوق بین‌الملل تحلیل می‌گردد.

۱- جایگاه و مشروعیت قانون مصونیت دولتی کانادا در حقوق بین‌الملل

در سال‌های پایانی قرن بیستم و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، دیدگاه‌های جدیدی وارد دنیای سیاست و حقوق شد. در ادامه این تحولات پس از جنگ سرد عقاید و فرهنگ کشورهای جنوب در چالش با فرهنگ، سیاست، اقتصاد و به‌طور کلی تمام نمادهای دنیای شمال ظهور یافت؛ به‌صورتی که برخی از نظریه‌پردازان این دوران را به دوره برخورد یا جنگ تمدن‌ها شناخته‌اند (هانتینگتون، ترجمه رفیعی، ۱۳۷۸: ۳۵)، اما قدر یقین آن است که برخی از این چالش‌ها به شکل خشن بروز کرد، مانند آنچه غالباً از آن به تارشگری یاد می‌شود و به کشتارها و فجایع انسانی وحشتناکی منتهی گردید. (Statista, 2016: 1) تا زمانی که دنیای شمال نیز درگیر این وحشی‌گری‌ها شد و تصمیم جامعه جهانی بر مقابله با آن قرار گرفت. پس از آن مرحله به مرحله

می‌توان شاهد رشد مکانیسم‌های تدافعی جهانی در مقابل تارشگری بود (پورسعید، ۱۳۸۸: ۱۵۱-۱۵۲). به‌طور کلی حمایت از قربانیان تارشگری همواره یکی از مسائل مهم بین‌المللی بوده است (تیلور، ترجمه فرداد امینی، ۱۳۸۸: ۱-۱۲). به‌عنوان نمونه بهانه شروع جنگ اول جهانی، حمایت از قربانی تارشگری بود (روت بئاتریس، ترجمه فرشیم، ۱۳۷۶: ۶).

بی‌تردید اعمال تارشگری علیه مردم بی‌گناه، آنان را از حقوق و آزادی‌هایی اساسی‌شان که از سوی اسناد مختلف حقوق بشری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حمایت شده است، محروم می‌کند. یکی از ویژگی‌های چند دهه اخیر واپایش بسیار ضعیف برخی دولت‌ها بر افراطی‌گری است. این امر موجب گسترش تارشگری و تشکیل شبکه‌های قدرتمند بین‌المللی برای آن گردید (Fanusie, 2015: 2). تارشگری یک اقدام تبهکارانه جمعی است و معمولاً در تحقق این بزه اشخاص متعددی اعم از شرکا و معاونان و مسببان جرم مشارکت دارند. در نتیجه آن فرد یا افرادی به‌صورت مستقیم و برخی غیرمستقیم قربانی می‌شوند.^۱ در رویه معمول محاکم جبران کلیه خسارات زیان‌دیدگان جرائم تارشگری جزئی از کیفر بزهکاران مستقیم و غیرمستقیم است.^۲ اما در بیشتر موارد جبران مؤثر خسارات تحت تأثیر اهمیت کیفر بزهکار به فراموشی سپرده می‌شود. نظام حقوقی کانادا مدعی رفع این نقیصه است. اقدامات تارشگری نقض‌کننده هنجارهای مسلم حقوق بین‌الملل عرفی هستند. قطعنامه‌های متعددی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد در محکومیت همه انواع اعمال، روش‌ها و عملکردهایی تارشگری تصویب شده است. اقداماتی که در هر مکان و نسبت به هر شخصی اعمال گردند، عمل تارشگری شناخته می‌شوند ((Hoye, 2002: 111). مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در ۹ دسامبر ۱۹۹۹، کنوانسیون بین‌المللی برای جلوگیری از حمایت مالی از تارشگری^۳ را تصویب نمود. بر اساس بند ب ماده ۲ این کنوانسیون اعمال تارشگری شامل این موارد می‌گردد: هر عملی که به قصد کشتن یا وارد آوردن صدمه شدید جسمی به هر فرد غیرنظامی یا هر فردی که نقش فعالی در درگیری مسلحانه - در صورت وجود درگیری مسلحانه - ندارد، صورت پذیرد و همچنین با نیت ارعاب یک جمعیت یا مجبور کردن یک دولت یا سازمان بین‌المللی به انجام یا خودداری از انجام عملی، صورت گیرد (دیهیم، ۱۳۸۰: ۹۶). این کنوانسیون، امضاکنندگان خود را ملزم می‌کند تا برخی اعمال را جرم‌انگاری کرده و بر

1. Deceleration of Basic Principles of justice for Victims of Crime and Abuse of Power

2. Basic principles and guidelines on the right to a remedy and reparation for victims of gross violations of international human right law and serious violations of international humanitarian law.

3. International Convention for the Suppression of the Financing of Terrorism.

اشخاص و سازمان‌های حامی مالی فعالیت‌های تارشگری اعمال صلاحیت کنند و اشخاص متهم را استرداد نموده یا تحت تعقیب قضایی قرار دهند. جالب توجه اینکه نه این کنوانسیون و نه دیگر روش‌های جبران خسارت در مورد دولت‌هایی که حامی مالی یا حامی فعالیت‌های تارشگری هستند، اعمال نمی‌شود؛ بنابراین بر اساس ضوابط حقوق بین‌الملل، دولت‌ها برای حمایت و کمک مالی‌شان از فعالیت‌های تارشگری تحت تعقیب کیفری قرار نمی‌گیرند (Hoye, 2002: 113). حتی در بازنگری مواد پیش‌نویس اجلاس حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت‌ها نیز مسئولیت کیفری دولت‌ها مستثنا شده است (ابراهیم گل، ۱۳۸۸: ۱۰۵). از این‌رو، با وجود محکومیت جهانی تارشگری، اما هیچ راه‌کار اجرایی در حقوق بین‌الملل برای اعمال مجازات در مورد کشورهای حامی تارشگری، وضع نگردیده است. با توجه به این موضوع حسب اظهار مقامات کانادا، نظام حقوقی اقدامات راجع به سلب مصونیت به‌طور کلی در این کشور بر اساس مقررات و ضوابط تعریف شده سازمان ملل متحد تنظیم شده است و هدف از آن اثربخشی به قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد است و در پاسخ به شرایطی است که نقض صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شود (Brandon & Kreutzner, 2014: 3).

با عنایت به نظریه برابری حاکمیت‌ها در حقوق بین‌الملل، همه دولت‌ها از حاکمیت برابر برخوردارند و هیچ دولتی نمی‌تواند اراده حاکمیتی خود را بر دولت حاکم دیگر تحمیل نماید. در نتیجه، رهنامه تساوی حاکمیت‌ها، مشروعیت قانون مصونیت دولتی کانادا و اصلاحیه آن را بر اساس قواعد حقوق بین‌الملل به چالش می‌کشد. بر اساس این رهنامه، لغو یک‌جانبه مصونیت دولت حاکم دیگر با عنوان «دولت حامی تارشگری» یا به عبارت دیگر «دولت مظنون به حمایت از تارشگری» یک اقدام غیرقانونی از سوی دولت کانادا و نقض حاکمیت ملی آن دولت است، زیرا که خود آن دولت خارجی به‌طور صریح یا به شکل ضمنی رضایت خود را به انصراف از مصونیت اعلام نکرده است. با شناسایی حق حاکمیت دولت‌ها به‌عنوان اصل اساسی حقوق بین‌الملل موضوع مصونیت قضایی دولت‌ها به‌عنوان یک قضیه اصلی مطرح شد تا حق حاکمیت دولت‌ها مورد محافظت قرار گیرد و با مرتبط نمودن منشأ مصونیت دولت‌ها و حق حاکمیت آن‌ها، موضوع مصونیت قضایی دولت‌ها به‌عنوان حق اساسی دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل مطرح گردید (Wiestinger, 2006: 43) تا اینکه کنوانسیون ملل متحد درباره مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها پس از بررسی‌های طولانی در تاریخ ۵ مارس ۲۰۰۴ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده و در نظام داخلی برخی کشورها از جمله کانادا تأیید گردید؛ اما راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها؛ گرچه اقدامات انجام‌شده در سال ۲۰۰۶ منتهی به

تصویب طرحی در اجلاس حقوق بین‌الملل گردید؛ ولی تاکنون این مصوبه در مجمع عمومی مطرح نشده است. این موضوع اماره‌ای بر مقاومت دولت‌ها در برابر تحولات جهانی است. از طرف دیگر با صدور رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه فرنی که مبتنی بر تقدم رعایت قاعده مصونیت دولت بر رعایت قواعد حقوق بشری است؛ از آن زمان تاکنون ارکان ملل متحد راجع به سلب مصونیت از دولت‌های خاصی به‌عنوان حامی تارشگری هیچ تصمیمی نگرفته‌اند. همچنین باوجود گذشت چند سال؛ اقدام کانادا و آمریکا راجع به سلب مصونیت و توقیف دارایی‌های ایران در سایر کشورها تکرار نگردیده و در عرف بین‌المللی پذیرفته نشده است. از طرف دیگر در مورد کشورهایی که مصونیت قضایی سایر دولت‌ها را رعایت ننمایند مسئولیت دولت در طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در پیش‌نویس معاهده مسئولیت کشورها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی برقرار گردیده است، در مصوبه ۲۰۰۱ چنین آمده است: «دولت‌ها در برابر اعمال متخلفانه بین‌المللی مسئولیت دارند. بر اساس ماده ۱ هر عمل (رفتار متضمن فعل یا ترک فعل) متخلفانه بین‌المللی یک کشور، مسئولیت بین‌المللی آن کشور را به دنبال دارد. برای تحقق عمل متخلفانه دولت وجود مواردی لازم است»^۱.

به فرض تخلف دولت از حقوق بین‌الملل رعایت مصونیت قضایی دولت با مسئولیت بین‌المللی آن قابل جمع است. تأسیس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و اعمال آن‌ها بر محور اصل ضرورت حفظ صلح و آرامش بین کشورها دور می‌زند (فیوضی، ۱۳۸۵: ۴۰). رفتار ایالات متحده و به تبع آن کانادا با حقوق بین‌الملل و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری مطابقت ندارد. (حبیبی مجنده و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۷) بر اساس این رأی که در مورد دعوی آلمان و ایتالیا است دولت‌ها درحالی‌که مصونیت دارند مسئولیت بین‌المللی هم دارند منتها از آن جهت که قاعده مصونیت از قواعد شکلی است رسیدگی به آن بر اساس سلسله‌مراتب حقوق بین‌الملل بر قاعده ماهوی مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اولویت دارد و نمی‌توان آن‌ها را در محاکم داخلی تحت تعقیب قرار داد. دیوان ایتالیا مکلف نمود که با تصویب قوانین مناسب یا توسل به دیگر روش‌های مورد نظر خود تضمین نماید که تصمیمات دادگاه‌ها و دیگر نهادهای قضایی که مصونیت دولت آلمان را نقض می‌کنند معتبر نخواهند بود (Germany v. Italy, 2012).

موارد مشابه دعوی آلمان در سطح محاکم داخلی در گذشته انجام شده است که از آن جمله می‌توان به درخواست اجرای رأی صادره در مارس ۱۹۹۸ در پرونده فلاتو (Flatow v. Islamic Republic of Iran, 1998) و دیگران و نیز رأی صادره در ژوئیه ۲۰۰۰ برای گروه ایزنفلد و دوکر

1. Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries

اشاره نمود ((Eisemfeld v. Islamic Republic of Iran 2000). این دو گروه از خواهان‌های آمریکایی با در دست داشتن احکام صادره از دادگاه‌های آمریکا علیه ایران، به دادگاه تجدیدنظر رم مراجعه و تقاضای شناسایی این احکام را نمودند. دیوان عالی کشور ایتالیا درخواست فرجام‌خواهی دو گروه تبعه آمریکایی - اسرائیلی (فلانو-ایزنفلد) را که خواهان شناسایی و اجرای احکام غیابی صادره علیه جمهوری اسلامی ایران بودند را به نفع ایران رد کرد. ایران با استناد به مصونیت قضایی دولت‌ها، نداشتن صلاحیت محاکم آمریکا برای رسیدگی به دعوای مطروحه علیه ایران را اعلام نمود (ایرنا، ۱۳۹۲). ایران همچنین به تعارض احکام صادره ایالات متحده با قوانین ایتالیا، از جمله موازین اجرا شده حقوق بین‌الملل در ایتالیا و نیز مغایرت این نوع احکام با رویه‌های قضایی بین‌المللی مانند رأی مشهور دیوان بین‌المللی دادگستری در دعوی بین ایتالیا و آلمان (۳ فوریه ۲۰۱۲) اشاره نمود.

دادگاه تجدیدنظر رم مدافعات ایران را پذیرفت و در شهریور ۱۳۹۲ درخواست این خواهان‌ها را به نفع ایران رد کرد؛ اما خواهان‌های آمریکایی نسبت به این رأی دادگاه اعتراض کردند و پرونده به عالی‌ترین مرجع قضایی ایتالیا یعنی دیوان عالی این کشور، ارجاع و تحت رسیدگی قرار گرفت. در این مرحله دادرسی نیز همچون مرحله قبل، مدافعات لازم از جانب دولت جمهوری اسلامی ایران در دیوان کشور ایتالیا ارائه شد. جالب این‌که موضع وکیل وزارت امور خارجه ایتالیا و دادستان کل کشور ایتالیا که معمولاً در این‌گونه دعاوی حضور دارند نیز همسو با دفاعیات وکلای ایران بوده است. بالاخره دیوان عالی کشور ایتالیا، اعتراض خواهان‌های آمریکایی را رد کرد و رأی دادگاه تجدید نظر رم را مبنی بر شناسایی نکردن و اجرای احکام صادره از دادگاه‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی را به نفع ایران تأیید نمود. (cassazione 2016)

در نتیجه تغییر و تحولات روابط و نظام بین‌الملل پس از جنگ سرد نگرش سنتی به مفهوم امنیت دگرگون گردید تغییر دیدگاه نسبت به امنیت از رویکرد دولت‌محور به رویکرد انسان‌محور، نظام حقوق بین‌الملل را متأثر ساخته است. (یزدان فام، امنیت نرم و چرایی اهمیت آن، ۱۳۸۸: ۴۵) روش محاکم آمریکا و کانادا در رسیدگی به دعاوی مطالبه خسارت حوادث تارشرگی منتسب به ایران آشکارا خلاف امنیت ملی ایران و موازین حقوق بین‌المللی است و بدون تردید موجب مسئولیت بین‌المللی این کشورها است. به نظر می‌رسد احکام صادره و سایر اقدامات کانادا علیه ایران مغایر با حقوق بین‌الملل و رویه قضایی بین‌المللی و نص صریح کنوانسیون‌های بین‌المللی؛ به‌ویژه موارد ذیل است:

۱. خلاف اصول منشور ملل متحد مانند اصل تساوی حاکمیت دولت‌های عضو.
۲. خلاف اصل مصونیت قضایی اموال دولتی مذکور در کنوانسیون وین ۱۹۶۱ روابط دیپلماتیک. (ماده ۳۰ کنوانسیون ۱۹۶۱ و ماده ۲۹ کنوانسیون ۱۹۷۵)
۳. خلاف اصل مصونیت قضایی اموال دولتی مذکور در کنوانسیون وین ۱۹۶۱ روابط کنسولی.
۴. تناقض آشکار با مقررات حقوق عرفی بین‌المللی.
۵. تقابل با شعار حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی.
۶. مغایرت با رویه دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه دعوی آلمان علیه ایتالیا.

۲- پیشنهاد اصلاحیه سال ۲۰۱۲ قانون مصونیت دولتی کانادا

قانون‌گذاری به‌عنوان یکی از اشکال اعمال حق حاکمیت دولت‌ها در عرصه بین‌المللی بایستی با رعایت حقوق سایر دولت‌ها همراه باشد. مصونیت قضایی دولت‌ها در حقوق بین‌الملل نیز از این قاعده پذیرفته‌شده بین‌المللی مستثنا نیست. وضع و اجرای قوانین و رویه‌های مؤثر بر قواعد حاکم بر این موضوع در حقوق داخلی، در صورت ضرورت، بایستی با قواعد یادشده در حقوق بین‌الملل منطبق باشد وگرنه موجب مسئولیت بین‌المللی دولت خاطی می‌گردد.

کانادا اعطای مصونیت به دولت‌های خارجی را با تصویب قانون مصونیت دولتی در سال ۱۹۸۵ تأیید نمود؛ اما اصلاحات این قانون که بر اساس آن مصونیت دولت‌های متهم به حمایت از تارشرگری سلب می‌گردد ضمن لایحه قانونی موسوم به قانون خیابان‌ها و جوامع امن (C ۱۰) پیش‌بینی گردید. به‌موجب قوانینی که بعد از قانون مصونیت دولتی و تا قبل از این اصلاحات به تصویب رسیدند، قربانیان تارشرگری به لحاظ حقوقی و نظری حق اقامه دعوی و مطالبه خسارت از حامیان دولتی تارشرگری را داشتند. ولی با عنایت به سایر رویه‌های جاری کانادا؛ محاکم از رسیدگی به این‌گونه دعاوی استنکاف می‌ورزند.^۱ با توجه به مصونیت قضایی دولت‌های خارجی قواعد عام راجع به مسئولیت مدنی یا مقررات مربوط به تعقیب قانونی مجرم برای دادگاه کفایت نمی‌کرد (Bell, 2005: 1). به‌عنوان نمونه می‌توان به دعوی چهار نفر از اتباع کانادا (که تابعیت مضاعف رژیم صهیونیستی را دارند) علیه بانک لبنان در سال ۲۰۰۸ اشاره کرد. آن‌ها ادعا نمودند که بانک و دولت لبنان خدمات مالی و بانکی به تارشرگران (حزب‌الله) ارائه می‌نمایند و باید خسارت قربانیان را جبران کنند که رسیدگی به این پرونده بدون نتیجه در سال ۲۰۰۹ متوقف شد. در سایر دعاوی مطروحه علیه دولت‌های مظنون به حمایت از تارشرگری نیز هیچ

1. CANADIAN CRIMINAL CODE (R.S.C.1985C46 PART II "TERRORISM",

دعوایی در کانادا تا پیش از اصلاحات قانون مصونیت به محکومیت آن دولت‌ها منتهی نشده است (STEWART, 2008). تا پیش از تصویب این اصلاحات و همچنین پس‌از آن، اتباع کانادا در کشورهای مختلف قربانی نقض حقوق بشر و بشردوستانه و؛ به‌ویژه تارشرگی شده‌اند که از آن جمله می‌توان به کشته شدن گلین‌بری، دیپلمات این کشور در قندهار افغانستان به همراه سه نفر دیگر در ۱۵ ژانویه ۲۰۰۶ اشاره نمود که در این بمب‌گذاری سه کانادایی دیگر نیز مجروح شدند^۱. در مورد این حادثه تارشرگی دولت‌هایی که طالبان را شناسایی نموده و از آن حمایت می‌نمودند هیچ‌وقت توسط دولت کانادا به‌عنوان دولت‌های حامی تارشرگی شناخته نشده و در نتیجه طرف شکایت قربانیان و بازماندگان قرار نگرفتند. اصلاحات قانون مصونیت دولتی با هدف جبران خسارات اقدامات تارشرگی و به پیروی از نظام آمریکایی تهیه گردید. مجموعه قوانین کیفری (C۱۰) همراه با ایجاد بحث‌های شدید سیاسی و رسانه‌ای توجه همه کانادایی‌ها را به خود جلب نمود، اما تا حد زیادی این موضوع به بخشی از عبارات شدید و الزام‌آور آن برای یک سری از اعمال مجرمانه برمی‌گردد. دامنه وسیع این لایحه به‌خوبی توسط عنوان کامل آن نشان داده شده است: «قانون مصوب جهت اجرای عدالت برای قربانیان تارشرگی و برای اصلاح قانون مصونیت دولتی» نکته توجه‌برانگیز آن است که این قانون محدود به مسئولیت برای اعمال تارشرگی است و نقض سایر قواعد حقوق بین‌الملل مانند شکنجه و جنایات جنگی را باوجود اهمیت بیشتر و گسترده‌تر پوشش نمی‌دهد. (Provost, 2012:6)

۳- مقایسه اصلاحیه قانون مصونیت کانادا با قانون مصونیت آمریکا

استثناء خاص سلب مصونیت قضایی دولت‌های به‌اصطلاح حامی تارشرگی است. در اواخر قرن بیستم در حقوق ایالات متحده و سپس کانادا وارد شد. درحالی‌که در مجلس کانادا چهار مورد نقض حقوق بشر در قانون کیفری، قانون جرائم جنگی و جرائم علیه بشریت مطرح شده بود؛ ولی در اصلاحیه قانون مصونیت دولتی؛ فقط به بازماندگان حملات تارشرگی اجازه داده شد تا از دولت‌هایی که حامی تارشرگی شناخته شده‌اند و مرتکب اقدامات کیفری شده و یا از آن حمایت نموده‌اند درخواست غرامت نمایند (Wendy, 2001:252). قانون کانادایی راجع به مصونیت نسبت به قانون آمریکایی وسیع‌تر است. سامانه جبران خسارت یک‌جانبه کانادا برای حمایت از قربانیان، نوعی دخالت در امور کشورهای دیگر محسوب می‌شود؛ ضمن آن‌که وزارت امور خارجه کانادا به‌طور تبعیض‌آمیزی دولت‌های حامی تارشرگی را شناسایی نموده و تحت تعقیب قرار داده است. بر اساس اصلاحات مصوب در همه موارد باید قضات اطمینان داشته

باشند که دادخواهی دارای یک ارتباط واقعی و اساسی با ایالتی که در آن رأی صادر می‌شود را دارند (Canada, 2015: 22). شاکیان دارای تابعیت غیر کانادا و یا حتی آن‌هایی که در کانادا اقامت ندارد نیز اگر یک «ارتباط واقعی و توجه‌برانگیزی» را با کانادا داشته باشند می‌توانند در کانادا اقامه دعوی نمایند. این بیان قانونی اشاره به استاندارد تعریف شده توسط دادگاه عالی کانادا در قضیه لیمن و ملکه^۱ دارد. در رویه قضایی کانادا برای تأمین نظر دولت در تفسیر عبارت «ارتباط واقعی و اساسی» به صورت کاملاً موسعی عمل شده است که نه تنها شامل هر مرحله از جرم و جنایت؛ بلکه نتایج آن نیز است. به این ترتیب راه قانونی برای شکایت به طور کلی بسیار وسیع است. برای مثال، در پرونده یاسین و پارک سبز بین‌المللی^۲ دادگاه تجدیدنظر کبک با تفسیر خاصی از ارتباط واقعی؛ صلاحیت خود را بر اساس قاعده گروه نامناسب^۳ تشخیص داده و رد کرد. دعوی خسارت فوق توسط روستاییان فلسطینی علیه یک شرکت ساخت‌وساز به اتهام ساز ساختمان‌سازی غیرقانونی در سرزمین‌های اشغالی اقامه گردیده بود. این شرکت ثبت شده در کانادا بود و در مناطقی از رژیم صهیونیستی فعالیت می‌کرد که با نقض کنوانسیون ژنو توسط آن دولت اشغال شده بود. در این مورد، دادگاه سعی کرد نشان دهد که بی‌طرف است و در اینکه بتواند صلاحیت کانادا را در رسیدگی قبول کند ایرادهای زیادی وجود دارد؛ اما به نظر می‌رسد اگر زیان‌دیده و خواهان این پرونده یک نفر رژیم صهیونیستی بود تفسیر دادگاه متفاوت می‌شد.

مطلب دیگر راجع به این قانون اینکه، علت ایجاد خسارت؛ یعنی شخص تارشر، محاکمه نمی‌شود و اقدام صرفاً علیه پاسخ‌دهندگان بالقوه که توسط دولت کانادا به عنوان اداره‌کننده و یا حامیان تارشر معرفی شده‌اند مورد بررسی قرار می‌گیرد. در پرونده‌ای که یاسین در آن طرف دعوی است، دادگاه با بررسی دعوی و برگزاری جلسات دادرسی در نتیجه‌گیری خود با توجه به اینکه موجودیت‌های قابل محاکمه نیز منحصر در نهادهای ذکر شده و سازمان‌های تارشر هستند که از طریق فرماندار در شورای (اجرایی فدرال) و به موجب بند ۸۳.۰۵ مجموعه مقررات کیفری کانادا مشخص شده‌اند و این فهرست در حال حاضر شامل سازمان‌هایی مانند ببرهای تامیل، حزب‌الله و حدود چهل گروه دیگر می‌شود، دعوی اقامه‌شده را طرح‌شدنی ندانست (Provost: 2012).

1. Libman v. The Queen

2. Yassin v. Green Park International

3. forum non conveniens

۴- تحلیل محتوای اصلاحیه قانون مصونیت کانادا

این قانون به قربانیان تارشگری بین‌الملل اجازه می‌دهد تا بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم علیه افراد، سازمان‌ها و نهادهای تارشگری^۱ برای جبران خسارت طرح دعوی نمایند تا ضرر و زبانی که از بابت اعمال ارتكابی تارشگران به آن‌ها وارد شده است در محاکم کانادا قابل مطالبه باشد این اعمال می‌تواند هر کدام از موارد جرم انگاری شده در بند ۱ بخش دوم قانون مجازات کانادا باشد درحالی که دعوی مطروحه حقوقی است.^۲

بر اساس این لایحه قربانیان می‌توانند.

الف - با استفاده از شرایط ویژه علیه کشورهای حامی تارشگران اقامه دعوی نمایند.

ب- چه این ضرر و زیان در داخل کانادا روی داده باشد یا خارج از آن

ج- مشروط بر این که حادثه مورد ادعا پس از ژانویه ۱۹۸۵ اتفاق افتاده باشد.

د- اگر ضرر و زیان مورد دعوی خارج از کانادا باشد باید ارتباط واقعی و مادی با این کشور داشته باشد.

ه- یا اینکه مدعی تبعه کانادا یا مقیم دائم کانادا باشد.

و- کشوری حامی فعالیت‌های تارشگری است تلقی می‌شود که افزون بر وجود دلایل معقول مبنی بر حمایت از تارشگری است در فهرست ارائه شده از سوی هیئت دولت نیز قرار گرفته باشد. (Everett 2013). دولت مکلف گردید حداکثر تا ۶ ماه فهرست مربوطه را اعلام و هر دو سال یکبار آن را به‌روزرسانی کند. این اقدام توسط وزیر خارجه و پس از مشورت با وزیر امنیت عمومی انجام می‌گیرد. نکته دوم اینکه به محض اعلام فهرست مذکور کشورهای مخاطب حق اعتراض دارند و مشابه وضعیت اول وزیر خارجه با مشورت وزیر امنیت عمومی بررسی و در صورت پذیرش اعتراض ادعای مطروحه را برای تصمیم‌گیری به هیئت دولت گزارش می‌دهند. بر اساس (بند (۴) ۶/۱) مهلت اظهارنظر وزیر خارجه ۱۲۰ روز از آغاز زمان بررسی است و پس از اتمام بازنگری اعلامیه‌ای در این مورد در روزنامه رسمی به چاپ می‌رسد. قسمت جدید ۶/۱ (۹) قسمت (۱۰) ۶/۱ در دور سوم مذاکرات سنا درباره لایحه (S-۷) به آن الحاق شد که بر این اساس اجازه داده شده است که حتی در صورت خروج نام کشور حامی تارشگری است از فهرست هیئت دولت پرونده‌ای را که شروع شده، ادامه داد و این موضوع در (C۱۰) آمده است. (Senate of Canada 2011) این موضوع با جنبه حقوقی تارشگری انطباق دارد؛ ولی با جنبه

1. Terrorist Entites

۲. این بخش از قانون جزای کانادا مربوط به جرائم تارشگری است.

کیفری آن سازگار و متناسب به نظر نمی‌رسد. اصلاحیه سال ۲۰۱۲ قانون مصونیت دولتی کانادا آخرین و متفاوت‌ترین تلقی حقوقی راجع به حمایت از قربانیان تارشگری بین‌الملل است. این مصوبه با استناد به قطعنامه‌های سازمان ملل متحد راجع به تارشگری و با برتری حمایت از حقوق فردی بر حمایت از دولت‌ها، صلاحیت بسیار گسترده‌ای برای دولت کانادا هم در قضاوت هم در اجرا قائل شده است. (عبدالهی، ۱۳۹۴: ۷۹)

سامانه جبران خسارت یک‌جانبه پیش‌بینی‌شده در قانون مصونیت دولتی کانادا برای حمایت از قربانیان تارشگری بین‌الملل، نوعی دخالت در امور کشورهای دیگر تلقی شده و حتی باعث می‌شود روابط این کشور با دولت‌های خارجی در سطح بین‌المللی تضعیف گردد. این سامانه، حتی اگر رویکرد مناسبی هم باشد، می‌تواند امتیازات غیرمنصفانه‌ای برای قربانیان بر مبنای رابطه شهروندی، ملیت و غیره در کشوری که اقامه دعوا در آنجا صورت می‌گیرد، به همراه داشته باشد. قوانین داخلی، اغلب در ارتباط با دسترس‌پذیر بودن، هزینه دادرسی، وجه‌الضمان و احکام خسارت تنبیهی برای خواهان‌های موفق در ایالات‌متحده و کانادا متفاوت هستند. این عوامل مزایای فراوانی را برای قربانیان آمریکایی داشته است. به نظر می‌رسد این نوع قانون‌گذاری خاص در ایالات‌متحده و کانادا، با اعطای حق جبران خسارت به خواهان‌های خاص و در پرونده‌های مشخص، نوعی بی‌عدالتی بین قربانیان اعمال تارشگری به وجود آورده است. در هنگام تصویب قانون و پس‌از آن این اقدام گزینشی دولت حتی مورد انتقاد شدید صاحب‌نظران کانادایی نیز قرار گرفت (Harrington, 2012: 23).

۵- رویه قضایی کانادا در ارتباط با مصونیت قضایی دولت‌های مظنون به حمایت از تارشگری
پرونده‌های مطروحه در کانادا در مورد بازداشت اموال دولت‌های حامی تارشگری دو دسته است. گروه اول اقدامات آن دسته از خواهان‌های آمریکایی است که برای شناسایی احکام دادگاه‌های آن کشور راجع به قربانیان اقدامات تارشگری اقامه دعوی نموده‌اند. در این رابطه ابتدا سه پرونده توسط اتباع آمریکا علیه ایران تشکیل گردید و با توجه به حکم صادرشده و با استناد به بند (۵) ۴ S. از قانون عدالت برای قربانیان تارشگری تقاضای رسیدگی گردید.^۱ (parl.gc. 2015) گروه دوم دعاوی اتباع کانادا علیه دولت‌های حامی تارشگری است که در این قضایا برای بازداشت اموال دولت‌های مذکور اقداماتی انجام گردید. یکی از این موارد پرونده‌ای است که در

۱. دادگاه صالح در زمان شناسایی حکم دادگاه خارجی، علاوه بر تطبیق با معیارهای مندرج در قوانین کانادا برای شناسایی احکام خارجی، به نفع فرد آسیب‌دیده و زبان‌دیده مورد نظر بند (۱) تشخیص داده شود. بالاین‌حال، فقط دادنامه‌ای قابل‌شناسایی است که علیه دولت خارجی حامی تروریست (فهرست اشاره شده در بند ۶۰۱ (۲) از قانون مصونیت دولت) باشد.

سال ۲۰۱۳ توسط یکی از اتباع کانادا (وایس) مطرح شد و مشمول بند (۱) ۴ S. قرار گرفت. ولی پس از آن نیز دعای دیگری اقامه گردید؛ که به علت محدودیت منابع مالی قابل توقیف و در دسترس ایران در کانادا شکات مختلف برای اجرای آراء قضایی آینده با یکدیگر مذاکره نموده و تا سال ۲۰۱۴ در بخش‌هایی از پیگیری توافق نمودند (News: 2014). برحسب گزارش‌های منتشره مهم‌ترین مورد اقدام علیه دولت‌های حامی تارشرگی مربوط به دعوی ورثه مارها بنت^۱ علیه جمهوری اسلامی ایران است.^۲ تا قبل از اصلاحات اخیر در آمریکا و کانادا رویه محاکم بر امکان نداشتن انتساب اعمال تارشرگی بدون اثبات حمایت و واپایش مؤثر به دولت‌های متهم بود (کدخدایی و راعی، ۱۳۸۹: ۱۴).

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، تحلیل علمی اقدامات حقوقی کانادا علیه امنیت ملی اقتصادی ج.ا.ایران است بر این اساس واقعیات حقوقی با نظریه همگرایی تطبیق داده شد. رویه کانادا که اموال ملت ایران را از دسترس دولت خارج نموده است به منافع ملی ایران آسیب می‌رساند. گرچه ایران می‌تواند راجع به احکام دادگاه‌های کانادا در محاکم داخلی آن کشور و در مرحله بعد در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوی نماید؛ ولی به‌هرحال اقدامات کانادا حاکی از همگرایی کامل این کشور با آمریکا و رژیم صهیونیستی است. گویا گروه‌های ذی‌نفع و احزاب سیاسی در داخل این کشورها منافع مشترکی را در همگرایی دنبال می‌کنند. با عنایت به حقوق بین‌الملل عرفی و رویه قضایی بین‌المللی، اموال دولت‌های خارجی از رسیدگی در دادگاه‌های داخلی مصونیت دارد. در کنوانسیون سازمان ملل متحد که پیرامون مصونیت قضایی دولت‌ها و اموال آن‌ها است و به نظریه مصونیت محدود اشاره دارد، ضمن پذیرش مصونیت به‌عنوان قاعدهٔ تثبیت‌شدهٔ عرفی فقط در موارد مشخصی سلب مصونیت دولت‌ها و اموال آن‌ها پذیرفته شده است. کانادا اعطای مصونیت به دولت‌های خارجی را با تصویب قانون مصونیت دولتی در سال ۱۹۸۵ تأیید نمود؛ بنابراین دولت‌های خارجی به‌جز در موارد استثنای قانون مصونیت دولتی از مصونیت قضایی مطلق برخوردار شدند. اصلاحیه سال ۲۰۱۲ این قانون برای تکمیل قانون عدالت برای قربانیان تارشرگی تصویب گردید. در مقدمه قانون مصونیت و همچنین اصلاحیه آن بر موضوع تبعیت

1. The Estate of Marla Bennett

۲. بمب‌گذاری در دانشگاه عبری بیت‌المقدس موجب کشته شدن ده‌ها نفر از جمله مارلا بنت و زخمی شدن تعدادی شد، حماس مسئولیت این بمب‌گذاری را بر عهده گرفت. در محل وقوع جرم (فلسطین اشغالی) به این موضوع رسیدگی قضایی شده و قضیه اعتبار امر مختومه یافت. پس از آن در محاکم آمریکا رسیدگی مجدد به عمل آمد و با رعایت قانون مصونیت، محاکم ایالات‌متحده به این نتیجه رسیدند که ایران مسئول این حمله تارشرگی است و کانادا نیز این حکم خلاف اصول حقوق طبیعی را شناسایی نمود.

کانادا از حقوق بین‌الملل؛ به‌ویژه قطعنامه‌های سازمان ملل در خصوص مبارزه با تارشگری تأکید گردیده است. بر این اساس میزان انطباق اقدامات کانادا با حقوق بین‌الملل تحلیل شده است. پژوهش حاضر با استفاده از منابع موجود و آرای صادره در محاکم کانادا و به روش توصیفی تحلیلی درصدد بررسی قانون مصونیت دولتی کانادا و اقدامات این دولت در مورد مصونیت قضایی اموال دولت ایران و ارزیابی میزان تأثیر آن بر امنیت ملی کشورمان است. همچنین این مقاله به بررسی اعمال دولت کانادا در حقوق بین‌الملل پرداخته است. با توجه به یافته‌های پژوهش به نظر می‌رسد که حقوق بین‌الملل به محاکم داخلی هیچ دولتی اجازه نمی‌دهد تا در مقام حمایت از قربانیان تارشگری بین‌الملل مرجع رسیدگی نهایی به دعاوی جبران خسارت اعمالی باشند که گمان می‌رود تحت حمایت دولت‌های خارجی انجام شده است. رویه قضایی و مقررات کانادا در رعایت نکردن قوانین مربوط به دارایی‌های ایران به ایجاد مخاطره در امنیت اقتصادی کشورمان انجامیده و در نتیجه امنیت ملی ایران نقض گردیده است.

نظام اقتصادی هر کشور در سایه امنیت اقتصادی تحقق می‌یابد. مهم‌ترین گام برای کشورهای در حال توسعه مانند ایران دستیابی به امنیت اقتصادی است تا در پرتو آن به یک نظام اقتصادی مطلوب برای ارتقاء تولید و کار آیی منابع دست‌یافته و به رفاه اقتصادی یا تقلیل کمبود کالاها و خدمات که هدف نهایی هر نظام اقتصادی توسعه‌یافته است برسند. دولت کانادا با توقیف اموال ایران مانع تحقق این هدف شده است؛ بنابراین و با توجه به نظریهٔ ارنست هاس، به نظر می‌رسد اقدامات خصمانهٔ کانادا علیه ایران در راستای همراهی با رژیم صهیونیستی و ایالات متحده است که برای همگرایی با آن‌ها انجام شده است. (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۶۱-۶۲) قدرت‌های منطقه‌ای آمریکای شمالی در جهت همگرایی برای حل بحران تارشگری به‌عنوان یک معضل سیاسی مهم با یکدیگر همکاری نمودند. این الگوی امنیتی بر مبنای غلبه یک بازیگر بر سایر بازیگران و برای اعمال سیاست بازدارندگی و با استفاده از ابزارهای اقتصادی طراحی و اجرا گردید. (واعظی، ۱۳۸۵: ۲۷-۸) باوجود اینکه تارشگری بین‌الملل صلح و امنیت بین‌المللی را تهدید می‌کند؛ ولی استثناء اعمال شده کانادا در مورد مصونیت قضایی اموال دولتی نه تنها مورد پذیرش جهانی قرار نگرفته و در نتیجه حقوق بین‌الملل عرفی را دگرگون ننموده است؛ بلکه قانون مصونیت دولتی کانادا و رویه اجرایی و قضایی متعاقب آن موجب مسئولیت بین‌المللی این دولت و نقض حاکمیت و امنیت ملی کشور هدف (ایران) نیز گردیده است؛ بنابراین می‌توان گفت رویه متخذه در قانون کانادایی ناقض حقوق اقتصادی و در نتیجه امنیت انسانی و امنیت اقتصادی مردم ایران و امنیت و منافع ملی کشورمان است.

با عنایت به رویه‌های رایج در حقوق بین‌الملل پیشنهاد می‌گردد هم‌زمان با انجام اعتراض قانونی نسبت به اقدامات خصمانه کانادا، از ابزارهای دیگری نظیر دیپلماسی و سیاست خارجی برای رفع اختلاف استفاده گردد و به‌جای پیگرد دولت‌های متهم به حمایت از تارشگری در محاکم داخلی از سامانه جبران خسارت‌های متداول بین دولت‌ها استفاده شود.

منابع

۱. ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۸۸)؛ **مسئولیت بین‌المللی دولت**: متن و شرح مواد اجلاس حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت دولت بابت اعمال متخلفانه بین‌المللی، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۲. آسبیورن، ایده (۱۳۸۹)؛ **حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (گزیده مقالات به‌ضمیمه اسناد)**، ترجمه گروه مترجمان به سرپرستی اردشیر امیر ارجمند، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۳. پورسعید، فرزاد (۱۳۸۸)؛ تحول تارشگری در روابط بین‌الملل، **فصلنامه مطالعات راهبردی ۱۵۱-۱۵۲**.
۴. تیلور، آلن جان پرسوال (۱۳۸۸)؛ **جنگ جهانی اول، ج ۱**، ترجمه بهرام فرداد امینی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۵. دیهیم، علیرضا (۱۳۸۰)؛ نگاهی اجمالی به کنوانسیون‌های بین‌المللی منطقه‌ای مقابله با تارشگری- **مجموعه مقالات تارشگری و دفاع مشروع از منظر اسلام و حقوق بین‌الملل**، تهران: انتشارات روزنامه رسمی.
۶. روت بناتریس، هنیگ (۱۳۷۶)؛ **ریشه‌های جنگ جهانی اول**، ترجمه فریبرز فرشیم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۷. حبیبی مجنده، محمد؛ حسینی آزاد، سیدعلی؛ رحیم خویی، الناز (۱۳۹۳)؛ نقد عملکرد ایالات متحده آمریکا در نقض مصونیت قضایی دولت‌ها در آیین حقوق بین‌الملل و رأی ۲۰۱۲ دیوان بین‌المللی دادگستری، **مجله حقوقی بین‌المللی**- شماره ۵۱، صص ۶۷-۹۶.
۸. عبدالهی، محسن (۱۳۹۴)؛ تارشگری بین‌المللی به مثابه استثناء در حال ظهور قاعده مصونیت دولت: بررسی قانون جدید کانادا- **مجموعه مقالات همایش مصونیت در حقوق بین‌الملل**، تهران: انتشارات گنج دانش.
۹. عسکری، محمود (۱۳۸۲)؛ رهیافت‌های شناخت امنیت انسانی. **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال ششم، شماره دوم.
۱۰. فیوضی، رضا. (۱۳۸۵)؛ **مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی اتباع**، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. کدخدایی، عباسعلی، راعی، علی (۱۳۸۹)؛ سلب مصونیت دولت ایران در محاکم آمریکا، **مجله حقوقی بین‌المللی**، شماره ۴۳.

۱۲. مشیر زاده، حمیرا، (۱۳۸۹)؛ *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.
۱۳. واعظی، محمود، (۱۳۸۵)؛ «*تحولات سازمان همکاری شانگهای و عضویت ایران*»، مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۳.
۱۴. هانتینگتون، ساموئل بی (۱۳۸۷)؛ *برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی*، ترجمه حمید رفیعی، محمدعلی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۵. یزدان فام، محمود. (۱۳۸۸)؛ امنیت نرم و چرایی اهمیت آن، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال دوازدهم، شماره سوم.
16. Bell, Stewart. 2005. "Target: Terror Cash: Families to ask Ottawa for right to sue terrorist backers." NATIONAL POST. 15 April. http://www.c-catcanada.org/images/links/national_post-front_page_article_formatted.pdf. (Accessed 28 Janury 2016).
17. Brandon, Barnes, and Chris Kreutzner. 2014. "Freezing Assets of Politically-Exposed Persons: A Feature of Canada's International Sanctions Regime." dlapiper.com. 11 Aug. <https://www.dlapiper.com/en/canada> (Accessed 20 Janury 2016).
18. Brohmer, Jürgen. 1997. *State Immunity Violation in of Human Rights*, The Hague, Martinus Nijhoff Publishers,
19. "Case concerning Jurisdictional Immunities of the state" (Germany v. Italy: Greece intervening). 2012. 143 (icj.org, 3 2). icj-cij.org. <http://www.icj-cij.org/docket/files/143>.
20. "*Case Eisemfeld v. Islamic Republic of Iran*." 2000. No. Civ. 98-1945 RCL, 2000 WL 1918779 (United States District Court for the District of Columbia, 11 July).
21. "*Case Flatow v. Islamic Republic of Iran - 89- Flatow v. Islamic Republic of Iran*." 1998. 89-999 FSupp 1, 28
22. Canada, Department of Justice. 2015. *The principle of State Immunity, Canada's System of Justice*. Ottawa: Canadaian Center for International Justice.
23. Caplan, Lee M. 2003. "State Immunity, Human Rights, And Jus Cogens: A Critique of the Normative Hierarchy Theory." *The American Journal of International Law*.
24. Everett, Robert. 2013. "What Bill C-19 could mean for Canada's native people", In *The Globe and Mail*, Toronto: York University Library.
25. Fanusie, Yaya J. 2015. *Terrorist Financing and the Implications for Canada, Testimony before the Foreign Affairs Subcommittee on International Human Rights*. Ottawa: Canada Tuesday,
26. Harrington, Joanna. 2012. "If not torture, then how about terrorism – Canada amends its State Immunity Act." *European journal of international law*, Vol.23.

27. Hoye, William P. 2002. "Gighting Fire With...Mire? Civil Remedies and the New War on State-Sponsored Terrorism." *Duke Journal of Comparative & International Law*, Vol 12 111.
28. Lip, Guy. S. 2004. "Litigation, Against "Foreign States" in the United States Courts: An overview of the American Foreign Sovereign Immunities Act." *abanet.org*. Accessed 8 1, 2011. www.abanet.org/.../disputes/litigation/FSIAOverview.pdf.
29. News, CBC. 2014. "Iran to forfeit \$7 million in assets for 'supporting terrorism.'" *CBC News*. 20 March. <http://www.cbc.ca>.
30. Poiragracic-Speyer, The modest career of the Justice for Victims of Terrorism Act, *CANADIAN INTERNATIONAL LAWYER*, v.1, no 20141, p. 26
31. *parl.gc*. 2015. "JVTA." *parl.gc*.
32. Parliament of Canada. 2012. "State Immunity Act." *Justice Laws Website of Canada*.
33. Provost, René. 2012. "Canada's Alien Tort Statute." *The European Journal of International Law*.
34. Senate of Canada. 2011. "Freedom and the Complex Terrorist Threat: Positive Steps Ahead", Toronto: The Special Senate Committee on Anti-terrorism, Security.
35. Sinclair, Ian. 1980. *The Law of Sovereign Immunity: Recent Developments*, (Collected Courses of the Hague Academy of International Law 111.). the Hague: ICJ.
36. Statista. 2016. "The statistics portal, Number of casualties due to terrorism worldwide between 2006 and 2015." <https://www.statista.com/statistics/202871/number-of-fatalities-by-terrorist-attacks-worldwide>.
37. Stewart Bell. 2008 Docket No. 086-620439-17-500. "Lebanese Canadian Bank sued for alleged Hezbollah connections," *National Post*, Sean Gordon.
38. UN. 2004. *United Nations Convention on Jurisdictional Immunities of States and Their Property* UN.prss.
39. UN. 2001. *Draft articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, with commentaries*. UN.press.
40. UN, General Assembly resolution 60/147. 16 December 2005. *Basic Principles and Guidelines on the Right to a Remedy and Reparation for Victims of Gross Violations of International Human Rights Law and Serious Violations of International Humanitarian Law*. UN press.
41. Wendy, Adams. 2001. "In Search of a Defence of the Transnational Human Rights Paradigm: May Jus Cogens Norms be Invoked to Create Implied Exceptions in Domestic State Immunity Statutes?". Toronto: Osgoode Hall Law School, York university.
42. Wiestinger, Mag.Eva. 2006. *state immunity from enforcement measures*. Vienna: university of Vienna.

